

تکلیف‌گرایی و نتیجه‌محوری از جمله مباحث روز در عرصه فلسفه اخلاق به شمار می‌رود که در پی تفاوت نگاه متفکران غربی در دوران مدرن و تجدد، با اندیشه‌های دینی و دوران ماقبل مدرن و سنت؛ به مقوله انسان و مبانی انسان‌شناسانه به وجود آمد. در اندیشه‌های تجددگرایانه، انسان محور همه چیز و خدای زمین شناخته شد و در نتیجه تمام اموری که در دنیا جاری است باید در سیطره و خدمت انسان باشد و این انسان است که باید برای دیگران تکلیف تعیین کند.

در برابر این تفکر، اندیشه‌های دینی و سنتی بر این باورند که انسان، مخلوقی از مخلوقات خداست که در برابر خود، خدا و دیگران وظایف و تکالیفی را بر عهده دارد. این نوع نگاه باعث شد که در عرصه‌های اجتماعی نیز آثار و تبعات خاصی بر هرکس از این نظریات مترتب گردد که ما در این نوشته به بیان آثار اجتماعی این نوع نگرش‌ها خواهیم پرداخت.

تکلیف‌گرایی: تکلیف و تکلفه مصدر باب تعقیل به شمار می‌روند. به لحاظ لغوی، تکلیف به معنای مثبت و سختی و جمع آن تکالیف می‌باشد. معنای اصطلاحی که از آن مد نظر داریم، عبارت است از: «عمل به یک سلسله دستورها و قوانین که از طرف شارع مقدس، وضع و به وسیله پیامبران به ما ابلاغ شده، که در نتیجه عمل به آن، می‌توان به سعادت دنیا و آخرت رسید.»

نتیجه‌گرایی: معنای اصطلاحی این‌س واژه در فرهنگ غالب کتاب‌های اخلاقی و جامعه شناختی، رسیدن به سود و نتیجه دنیایی اعمال انسان است. آن‌چه در این رویکرد مطرح می‌شود، رسیدن به نتیجه است و منظور از نتیجه در این‌جا سود مادی، لذت و قدرت می‌باشد. در این دیدگاه، نقش فاعل و انگیزه‌های او و ابزارهای رسیدن به نتیجه اهمیتی ندارد. رسیدن به بهترین نتیجه و سود از نزدیک‌ترین راه و کم خرج ترین مسیر، هدف اصلی این نگرش است.

بعد از فهمیدن تعاریف اجمالی تکلیف‌گرایی و نتیجه‌محوری در ادامه به آثار اجتماعی این دو نوع نگرش و تبعات بیرونی آن‌ها می‌پردازیم.

### آثار اجتماعی تکلیف‌ گرایی و نتیجه‌محوری

۱. کسانی که تکلیف محور هستند در انجام امور اجتماعی خود فقط و فقط به وظیفه ای که شارع برای آن‌ها تعیین کرده است توجه دارند و از سختی‌ها و کمبودها و تنگناهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هراسی به خود راه نمی دهند بلکه همه این سختی را نیز به جان می‌خرند و با روی باز به استقبال خطر می‌روند؛ بنا به تکلیف در عرصه باعث می‌شود افراد از خطرها دوری کنند و در انجام وظایف خود کوتاهی ورزند. برای نمونه می‌توان به سیره رفتاری حضرت امام خمینی(ره) اشاره کرد.

ایشان بنا بر تکلیف در عرصه فقاقت عنصر زمان و مکان را مطرح کرد؛ بنا به تکلیف در عرصه سیاست نهضت را راه‌اندازی کرد؛ بنا به تکلیف در فلسفه قدم گذاشت؛ بنا به تکلیف دینی، مباحث عرفانی را فتح یاب کرد؛ بنا به تکلیف در عرصه‌های اخلاقی و تربیتی وارد شد؛ این تئوری را هم شکست می‌دهد هر کس اهل قداست باشد از قیاس جدا می‌شود و هر کس اهل سیاست باشد از قداست دور می‌ماند!

امام(ره) فهماند که اگر شما تکلیفتان را انجام دهید جمع بین سیاست و قداست می‌کنید؛ چون سیاست یعنی تربیت، یعنی زعامت و رهبری؛ امام(ره) تشخیص تکلیف دینی اش را داد، در عمل کردن به تکلیفش هم با چارچوب‌های دین حرکت کرد.

ایشان اولین اطلاعیه سیاسی نهضت در پانزده اردیبهشت ۱۳۴۲ را با این آیه شروع کرد: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَالِدِهِ أَنْ تَقُولُوا لَهُ...»(سبا، ۴۶)؛ یعنی اگر ما قیام لله کنیم، تکلیف الهی‌مان را انجام بدهیم بقیه‌اش با خداست؛ و امام به آن‌چه خدای تعال وعده داده بود باورداشت. ایشان همه این تکالیف را در زمانی انجام داد که کسی جرات نداشت در برابر حکومت جور بایستد، کسی در حوزه طرفدار فلسفه نبود و طرفداران فلسفه را کافر می‌دانستند.

۲. تکلیف محوری حصول یاری الهی و ثواب الهی، تضمین شده است و در نتیجه فرد تکلیف‌محور با صلابت و اعتماد مثال‌زدنی در پی اهداف خویش است؛ چون می‌داند در هر صورت- به نتیجه برسد یا نرسد- مورد عنایت پروردگار خویش واقع می‌شود؛همان‌گونه که آیه قرآن بر این امر دلالت می‌کند: «قُلْ هَلْ نَرَبُّونَ بِنَا إِلَّا إِخْدَى الْحُسْنَيْنِ»(توبه،۵۲). برخلاف انسان نتیجه‌گرا که همیشه با تزلزل و بی اعتمادی به حرکت خویش در جامعه ادامه می‌دهد؛ زیرا همیشه نگران این است که آیا به نتیجه مطلوب خود خواهد رسید یا خیر .

حرکت امام خمینی( ره) را در انقلاب اسلامی می‌توان از همین نمونه دانست. ایشان می‌دانست اگر او و مردم تکلیف را انجام دهند، خدا نصرت را شامل حالشان می‌کند؛ که «إِنْ تَضَرَّوْا اللَّهَ يَضُرَّكُمْ وَ يَجْتَبِ أَقْدَامُكُمْ»(محمد، ۷). امام فهمید و فهماند که اگر تکلیفش را انجام دهد خدا حمایت می‌کند، «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»(حج، ۳۸)، فهمید و فهماند که اگر آدم تکلیفش را انجام دهد و تلاش کند خدا هدایت می‌کند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»(عنکبوت،۶۹)

۳. عزت و بزرگواری اجتماعی در گرو تکلیف‌مداری است. این آن چیزی است که از قرآن و روایات استفاده می‌کنیم؛ هر کس تکلیفش را انجام دهد خدا عزیزش می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنَجْتَلِبُهُمُ مِنْ دُونِ الْعَذَابِ؛ «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»(فاطر، ۱۰)؛ و در یک جمله، اگر کسی در عرصه تکلیف قدم بگذارد و با خدای خود عهد و پیمان ببندد، خدا میّت با خودش را نصیبش می‌کند؛ و هر کس با خدا باشد حتما پادشاهی می‌کند و اگر کسی بی‌خدا باشد کاری از پیش نمی برد.

تکلیف محوری این تئوری را به دنیا معرفی می‌کند که عمل به تکلیف در مسیر بندگی خدا، پادشاهی بر همه ماسوی‌الله را رقم می‌زند. این برخلاف تئوری‌های نتیجه گراست که عزت و بزرگواری خویش را در گرو لذت و سودجویی‌های دنیایی می‌بیند . هرچه از ثروت و مقام و منصب بالاتری برخوردار باشد احساس عظمت و بزرگی بیش‌تری می‌کند؛ غافل از این که عزت همه اش مال خداست و به هر کس که بخواهد می‌دهد.

۴. در تکلیف مداری، انسان از آرامش و راحتی بیش‌تری در زندگی برخوردار است؛ زیرا تکالیفی که

## آثار اجتماعی نتیجه‌گرایی و تکلیف‌محوری



می‌شود. از سویی دیگر، کسی که بیش‌تر مسؤولیت پذیرفته و مسؤولیت‌های مهم تر و بزرگ تر را بر عهده گرفته، شایستگی خود را بیش از دیگران نمایان ساخته و قابلیت هایش را بیش‌تر به منصفه ظهور رسانده است. در مقابل، اگر از سوی مقامی متعالی، به کسی مسؤولیتی واگذار نگردد، هیچ کس این رفتار را نشانه تکریم و ارج نهدان به او نمی‌داند

در برابر مردم و خداوند مسؤول است؛ برخلاف نتیجه گرایان که برای رسیدن به هدف هیچ چیز جز خود نتیجه و هدف دنیایی را مد نظر قرار نمی دهند و در نتیجه گاهی باید فشار و توانایی فراتر از ظرفیت را بر خود و دیگران تحمیل کنند که این امر باعث سلب آرامش و راحتی، بی اعتمادی و ناامیدی می‌شود.

۵. در تکلیف مداری، قبول تکلیف نشانه شایستگی فرد مکلف است. تکالیفی که از حقوق ناشی می‌شود تقریباً همگی پیش از هر وضع تکلیف توسط واضع آن، شایستگی مکلف آن احراز می‌گردد، زیرا «تکلیف» در واقع نوعی واگذاری مسؤولیت است، و واگذاری مسؤولیت اگر از ناحیه شخصی حکیم صورت پذیرد هرگز بدون احراز شایستگی فردی که قرار است مکلف به انجام آن شود واقع نخواهد شد.

همچنین اگر تکلیف به شخصی محوّل شود در حالی که او شایستگی انجام آن تکلیف را نداشته نباشد، کسی که انجام آن تکلیف را به مکلف غیر صالح واگذار نموده است پیش از همه تقبیل خواهد شد؛ زیرا بدون احراز شایستگی، مسؤولیت مسؤولیت‌های بزرگ تر، مهم تر و سنگین تر و بیش‌تر خواهد بود. بدین روی، اگر کسی سهو، هرگاه مسؤولیت‌های مهم‌تر و سنگین‌تر به فردی محوّل شود نشان از این دارد که اعطاکننده مسؤولیت او را بیش از دیگران دارای شایستگی دانسته است.

این خود عنوان به شایستگی است که در واقع، تکریم و ارج نهادن به مکلف از آن استنباط

کنند و مال و قدرت بیش‌تری به دست آورند، شایستگی خود را بیش‌تر اثبات کرده اند حتی اگر ظرفیت و توانایی آن را نداشته باشند.

۶. بازگشت منافع تکالیف الهی به مکلفان: گاهی برخاسته از حکمت، عدل و انصاف است. این نوع احکام از سوی حکومتی عدل‌گستر و یا انسانی عادل وضع می‌شود که در آن، سود طرفین بر اساس عدل و انصاف مورد توجه قرار گرفته و تأمین می‌شود. تکالیف برخاسته از مشاغل موجود در جامعه را می‌توان از این سنخ دانست. در این نوع مشاغل، کارفرما ضمن تلاش برای دست یابی به سود خود، حقوق کارگران را نیز بدون کم و کاست می‌پردازد. نتیجه آن‌که، در این نوع تکالیف، هم کارفرما به عنوان محق به حقوق خویش می‌رسد و هم به تبع انجام تکالیف از سوی مکلفان حقوق آنان را رعایت می‌نماید؛ یعنی هر یک از طرفین، هم مکلفند و هم محق، هم وظایفی دارند و هم منافع می‌برند.

در برخی تکالیف، تنها مصلحت و منفعت شخص مکلف موردنظر است؛ یعنی حاکم یا ولی، احکامی را وضع و مردمان را به عمل به آن‌ها مکلف می‌کند. این نوع تکالیف، اگرچه ممکن است ظاهری امرانه داشته و برای سرپیچی کنندگان از آن، کیفر سختی از سوی تکلیف کننده در نظر گرفته شده باشد، اما بهترین نوع تکلیف خواهد بود؛ زیرا از هر دو جهت و به طور کلی، فلسفه وضع آن نفع رسانی به او بوده است.

بنابراین، اگر احکام وضع شده در این نوع تکالیف حکیمانه و از روی عقل و درایت وضع شده باشد بهترین نوع تکلیف خواهد بود؛ زیرا از هر دو جهت منافعش نصیب مکلفان می‌شود و هیچ نفعی برای حاکم لحاظ نشده است. برای مثال، پدری که سرمایه ای را در اختیار فرزندش می‌گذارد تا به کسب و تجارت بپردازد، برای مجزب‌ساختن او ممکن است احکام سختی را وضع کند و یا برای موفقیت وی در امر تجارت، پاداش و جایزه نیز مقرر نماید. همچنین علاوه بر پاداش موردنظر، تصمیم داشته باشد که سرمایه مذکور و منافع آن را به فرزندش تملیک کند و برای خود هیچ منفعتی در نظر نگذرد. با این کار پدر، منافع همه‌جانبه وضع احکام نصیب فرزند می‌شود، اگرچه ممکن است فرزند(مکلف) از فلسفه کار پدر ناآگاه بوده، او را بسیار سختگیر ببیند.

با این توضیح، باید متذکر شویم که قیاس وضع تکالیف از سوی خداوند یا تکالیفی که پدر برای رشد و ترقی فرزندش در نظر می‌گیرد و نیز قیاس خیرخواهی پروردگار نسبت به بندگانش با خیرخواهی پدر نسبت به فرزندانش، بسیار ناقص و نارساست، اما در جایی که هیچ شبههی برای پروردگار عالمیان نمی‌توان پیدا کرد برای تقریب مطلب به ذهن، چاره‌ای از ذکر چنین مثالی نیست. بنابراین، شاید بتوان احکام وضع شده از سوی خداوند را که تکالیفی با عهده بندگان مفروض ساخته است، از این نوع تکالیف به شمار آورد.

اما در نتیجه گرایی که برخاسته از اغراض شخصی و سودجویی‌های فردی است، وظیفه ای بر دیگری وضع می‌شود که صورت تحمیلی دارد. در این‌جا از خواست و اراده مکلف کاری ساخته نیست و او نمی‌تواند چیزی غیر از آن‌چه بر وی تکلیف شده انجام دهد. در حقیقت، انجام تکالیف با قهر و غلبه

از سوی تکلیف‌کننده بر مکلف تحمیل شده است. این نوع رفتار، که قدرتی برتر بر انسان تحمیل می‌کند در واقع، تکلیف نیست بلکه تحمیل یا اکراه است؛ و اجبار است؛ زیرا جبر باعث می‌شود که فاعل، کار را از روی اختیار خود انجام نهد و چون نمی‌توان او را مصدر فعل نامید، این نوع تحمیل را نیز باید تکلیف‌گذاشتن مسامحی بدانیم. فلسفه این نوع احکام و تکالیف، اغلب، رسیدن حاکم به منافع بیش‌تر است. به عبارت دیگر، در این نوع تکلیف، بنا بر آن نیست که حقوق مکلفان مراعات شود، بلکه حاکم می‌کوشد بیش‌تر سود ببرد و کم‌تر به مکلفان منمعت رساند، و تا آن‌جا که ممکن است حقوق آنان را پامال و از ادای آن خودداری کند. البته اگر حاکم، بخشی از حقوق آنان را می‌پردازد بدین منظور است که مانع خشم و طغیانشان شود و منافع خویش را به مخاطره نیندازد.

۷. یکی از آثار مهم اجتماعی در تکلیف‌محوری، رشد و ارتقای همه‌جانبه مکلفین است، همان‌گونه که رسیدن به هفت سالگی و اولین روز ورود به مدرسه، به رغم در پی داشتن مرحله جدیدی از تکلیف، روزی مبارک برای فرزندان و والدینشان قلمداد می‌شود و بسیاری از خانواده‌ها چنین روزی را جشن می‌گیرند، ورود به سن تکلیف و رسیدن به مرحله ای که انسان شایستگی مخاطب پروردگار عالمیان قرار گرفتن را پیدا می‌کند و مسؤولیتی عظیم را برای دست یابی به بالاترین مراحل کمال انسانی و سعادت ابدی خود می‌پذیرد، مهم ترین حادثه در طول زندگی و شیرین ترین خاطره در دوران حیات این دنیایی او خواهد بود.

این روز مبارک همچون وقایع پیشین مملو از تکلیف جدید و مسؤولیت‌های تازه است، اما چون حاکی از شایستگی انسان بوده و امکان دست یابی به پیشرفت و تکامل را فراهم می‌آورد، بسیار میمون و ارزنده خواهد بود. از این رو، همان‌گونه که تکلیف آموزگار برای دانش آموز توهین قلمداد نمی‌شود، تکالیف الهی نیز هیچ گاه از سوی انسان فهمید و دردمند توهین محسوب نمی‌گردد؛ بلکه با آغوش باز آن را می‌پذیرد و عزم خود را بر انجام آن تکالیف جزم می‌نماید.

همچنین اگر جامعه ای را از تعلیم و تعلّم که ظاهر آن سراسر تکلیف و زحمت است، محروم کنند هیچ عقل سلیمی آن را مطلوب نمی‌شمارد و به باتیان و مستیان این محرومی خرد گرفته، رفع محرومیت را خواستار می‌شوند. آماج‌گی برای رسیدن به کمال، اگر چه با رنج و زحمت همراه است، انسان آن را با رویی خوش پذیرا می‌شود. اما آنان که به دنبال نتیجه در این دنیا هستند از زحمات و اعمالی که برای رسیدن به امیال خویش می‌کنند در عذاب و ملالت هستند و رسیدن به مطامع برای آنان امری شخصی و محدود در دایره قدرت و ثروت می‌شود.

### نتیجه

تکلیف‌گرایی الهی با تکریم انسان و ارتقای اجتماعی او و همچنین ارتقای عمومی سطح جامعه، تمام نیازهای دنیوی و اخروی مکلفین خویش را تأمین می‌کند و اگر چه در برابر نتیجه‌گرایی به ظاهر در امور دنیایی در رتبه پایین تری قرار می‌گیرد اما مزیت تکلیف محوری در رساندن انسان به سعادت ابدی، قابلیت مقایسه بین این دو را از بین می‌برد.

### ثبّتی و دادگستری

**نیازمندیهای عصر مردم آگهی می‌پذیرد**

**۳۲۳۴۱۰۰۰      ۳۲۳۴۱۰۰۱      ۳۲۳۰۹۲۹۰**

**۳۲۳۰۳۳۷۰-۳۲۳۰۳۸۳۰**

|   |
|---|
| <b>آگهی ابلاغ وقت رسیدگی</b>  |
| <p>بدینوسیله به نصیر امیری فرزند خدابخش مجهول‌المکان ابلاغ می‌گردد که گودرز امیری فرزند خیراله ساکن ممسنی شکایتی مبنی بر فروش مال غیر یک قطعه زمین مسکونی به مساحت سیصد و سی مترمربع به دادگاه ارائه که پس از تحقیقات اولیه و صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به این دادگاه ارجاع که به شماره ۹۴۵۴۴-ک ش ۱۰۱ ثبت دادگانه ارائه که پس از تحقیقات اولیه و صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به این دادگاه ارجاع که به شماره ۹۴۵۴۴-ک ش ۱۰۱ ثبت دادگانه ارائه که پس از تحقیقات اولیه و صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به این دادگانه ارجاع که به شماره ۹۴۰۲۹۰-ک ش ۱۰۱ ثبت این شعبه گردیده و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۱ ساعت ۱۱ تعیین گردیده است. لذا به این دادگانه ارجاع که به شماره ۹۴۵۴۴-ک ش ۱۰۱ ثبت این دادگانه ارجاع که به شماره ۹۴۵۴۴-ک ش ۱۰۱ ثبت این شعبه گردیده و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۱ ساعت ۱۱ تعیین گردیده است. لذا به این دادگانه ارجاع که به شماره ۹۴۵۴۴-ک ش ۱۰۱ ثبت این شعبه گردیده و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ ساعت ۱۰ تعیین گردیده است. لذا به این دادگانه ارجاع که به شماره ۹۴۰۲۹۰-ک ش ۱۰۱ ثبت این شعبه گردیده و دستور دادگاه برای یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی تا متهم از تاریخ مزبور در جلسه رسیدگی دادگاه حاضر و از خود دفاع نماید. در غیر این صورت دادگاه در غیاب وی مبادرت به رسیدگی و اصدار رای می‌نماید.</p> |
| مدیر دفتر شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو ممسنی عباس امیری   |

|  |
|--|
| <b>آگهی احضار متهم</b>   |
| <p>در پرونده شماره ۹۳۱۳۱۵ شعبه ۱۵ دادیاری دادسرای ناحیه یک شیراز فرشید عادل‌زاده فرزند قاصور به موجب شکایت مبنی بر خیانت سرقت تحت تعقیب قرار دارد با توجه به معلوم نبودن محل اقامت وی و عدم امکان ابلاغ احضاریه و عدم دسترسی به او طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در روزنامه عصر مردم آگهی و متهم ظرف مهلت یک ماه احضار می‌شود پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد.</p> <p>۱۳۹۴/۹/۱۷ م الف</p> |
| دادیار شعبه ۱۵ دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱ شیراز رنجبرزاده  |

|   |
|---|
| <b>آگهی ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری شیراز</b>   |
| <p>آگهی تغییرات شرکت زرنگار شیراز شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۵۶۰ و شناسه ملی ۱۷۰۹۲۴-۱۰۵۳۰۱۷-۱۵۳۰</p> <p>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۶/۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:</p> <p>الف)۱- اعضای هیأت مدیره عبارتند از محمدرضا فقیهی و غلامرضا عادل‌زاده و محمدهادی رسولوی و شهرام قنوت برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.</p> <p>محمدهادی صادقی به سمت بازرس اصلی و فرزاد ابراهیمی به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.</p> <p>الف)۳- روزنامه کثیرالانتشار عصر مردم جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.</p> |
| اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس <p>مرجع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری شیراز</p>   |

|   |
|---|
| <b>آگهی ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری شیراز</b>  |
| <p>آگهی تغییرات شرکت آتی شهر هوشمند ایرانیان سیامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۸۲ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۲۹۳۷۷۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۴/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:</p> <p>محل شرکت در واحد ثبتی شیراز به آدرس جدید: بولوار چمران، ابتدای بولوار شاهد، خیابان دانش‌آموز. پلاک ۴۷ کدپستی ۷۱۹۵۸۳۵۹۹۸ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید.</p> <p>با ثبت این مستند تصمیمات تغییر حل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) اتخاذ شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترسی می‌باشد.</p> <p>۱۹۷۱۴/م الف</p> |
| اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس <p>مرجع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری شیراز</p>   |

|  |
|--|
| <b>آگهی ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری شیراز</b>  |
| <p>آگهی تغییرات شرکت آتی شهر هوشمند ایرانیان سیامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۸۲ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۲۹۳۷۷۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۶/۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:</p> <p>شعبه‌ای از شرکت در شهر کاشان به نشانی کاشان، چهارراه آیت‌الله کاشانی، پاساژ ملت، واحد ۲ اداری، کدپستی ۸۷۱۳۷۴۳۱۱ افتتاح گردید.</p> <p>با ثبت این مستند تصمیمات تأسیس شعبه داخلی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترسی می‌باشد.</p> <p>۱۹۷۱۵/م الف</p> |
| اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس <p>مرجع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری شیراز</p>  |

|  |
|--|
| <b>آگهی احضار متهم</b>   |
| <p>نظر به اینکه زهرا جوانی جاوانی به اتهام تحصیل مال مسروقه از طرف این دادسرا تحت تعقیب می‌باشد و ابلاغ احضاریه به واسطه نامعلوم بودن محل اقامت ایشان میسرور نگردیده بدینوسیله در اجرای ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مراتب به نامبرده ابلاغ تا پس از درج آگهی در شعبه ۱۶ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شیراز به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام انتسابی در پرونده کلاسه ۹۳۱۵۲۷ حاضر گردد پس از انقضای یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی به موجب مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون مذکور تصمیم غیابی اتخاذ می‌گردد.</p> <p>۱۹۷۵۰/م الف</p> |
| دادیار شعبه ۱۶ دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱ شیراز دویجری   |

|   |
|---|
| <b>آگهی ابلاغ وقت رسیدگی</b>  |
| <p>نظر به اینکه متهم محمدرضا رحمانی‌نژاد فرزند حیدرعلی در پرونده کلاسه ۲/۹۴۰۵۴۵/۲۰ از سوی این دادسرا به اتهام کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع موضوع شکایت علی احمدی تحت تعقیب می‌باشد و ابلاغ احضاریه به واسطه نامعلوم بودن محل اقامت وی میسرور نگردیده بدینوسیله در اجرای ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۹۳ مراتب به نامبرده ابلاغ تا ظرف یک ماه پس از درج در روزنامه شعبه ۲ بازرسی دادسرای عمومی و انقلاب شیراز به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام انتسابی حاضر گردد.</p> <p>۱۹۷۴۷/م الف</p> |
| بازپرس شعبه ۲۰ دادسرای عمومی و انقلاب شیراز غلامرضا محمدی   |

|   |
|---|
| <b>آگهی ابلاغ وقت رسیدگی</b>  |
| <p>بدینوسیله به عبدالرسول جعفری فرزند حاصل مجهول‌المکان ابلاغ می‌گردد که اداره ممسنی شکایتی مبنی بر شرکت در تخریب و تصرف عدوانی ۱۸۲۲۲ اراضی ملی به دادگاه ارائه که پس از تحقیقات اولیه و صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به این دادگاه ارجاع که به شماره ۹۱۰۲۶-ک ش ۱۰۱ ثبت این شعبه گردیده و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۲ ساعت ۱۰ تعیین گردیده است. لذا به لحاظ مجهول‌المکان بودن متهم مطابق ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری و دستور دادگاه برای یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی تا متهم از تاریخ مزبور در جلسه رسیدگی دادگاه حاضر و از خود دفاع نماید. در غیر این صورت دادگاه در غیاب وی مبادرت به رسیدگی و اصدار رای می‌نماید.</p> <p>۱۹۷۵۲/م الف</p> |
| مدیر دفتر شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو ممسنی عباس امیری   |

|  |
|--|
| <b>آگهی احضار متهم</b>   |
| <p>نظر به اینکه آقایان ۱- عادل حسین‌زاده اصلی کلاه چاهی فرزند ایوب ۲- جواد افشاری کلاشمی شکایتی مبنی بر شرکت در مشارکت در تحصیل مال از طریق نامشروع به میزان سیصد و پنجاه میلیون ریال موضوع شکایت سید سعید موسوی در پرونده کلاسه ۸۴۰۵۹۱ شعبه ۱۸ دادیاری از طرف این دادسرا تحت تعقیب می‌باشد و ابلاغ احضاریه به واسطه نامعلوم بودن محل اقامت ایشان میسرور نگردیده بدینوسیله در اجرای ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب به نامبرده ابلاغ تا ظرف مهلت یک ماه از تاریخ انتشار آگهی در شعبه ۱۸ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شیراز به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام انتسابی حاضر گردد پس از انقضای یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی تصمیم غیابی اتخاذ می‌گردد.</p> <p>۱۹۷۵۸/م الف</p> |
| دادیار شعبه ۱۸ دادسرای عمومی و انقلاب شیراز محمدرضا منوچهری  |